کاشانه
ویژه‌نامه هفتگی سبک زندگی و خانواده روزنامه جوان
جوان
پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ – ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۷

پرونده ویژه «جوان» به مناسبت روز خانواده و تکریم بازنشستگان

ایران روی شانه خانواده ایرانی ایستاده است

رضا دهشیری | جوان

آزاده خرم وثیق
مشاور خانواده:

خانواده سنگر مستحکم هویت ایرانی است

سجاد کریمان مجد
روانشناس و مشاور تخصصی خانواده:

وقتی بحران فرا می رسد خانواده به‌عنوان اولین تکیه‌گاه عمل می کند

دکتر رقیه عبدلی نژاد
استاد دانشگاه و کارآفرین:

خشت اول اقتصاد مقاومتی با دست‌های خانواده بنا می‌شود

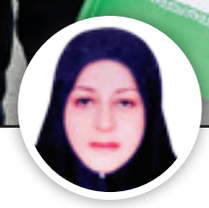

معصومه سادات طباطبایی
کارشناس رسانه و مشاور خانواده:

خانواده ایرانی ستون تاب آوری اجتماعی است

ایران سربلند در خانه‌ها ساخته می‌شود

اگر بخواهیم ریشه بسیاری از موفقیت‌ها را پیدا کنیم، باید به خانواده برگردیم. جایی که اعتماد، مسئولیت‌پذیری و تعلق به جامعه آموخته می‌شود و تجربه نسل‌های پیشین به سرمایه‌ای برای آینده تبدیل می‌شود. خانواده ایرانی تنها یک نهاد خصوصی برای زندگی روزمره نیست. خانواده، مدرسه‌ای است که در آن کودکان زندگی اجتماعی را یاد می‌گیرند، جوانان مسئولیت‌پذیری را تمرین می‌کنند و سالمندان با انتقال تجربه‌ها و روایت‌های خود، پلی میان گذشته و آینده می‌سازند. شاید به همین دلیل باشد که در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی، از سال‌های دفاع مقدس تا بحران‌های اجتماعی و اقتصادی امروز، یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های کشور نه ساختمان‌ها و نهادها، بلکه خانواده‌هایی بوده‌اند که سرمایه اعتماد، امید و تجربه را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند. خانواده دور سفره نشسته‌اند. پدربزرگ از خاطرات سال‌های جنگ می‌گوید، پدر از دغدغه‌های کار، مادر از نگرانی‌های روزمره و نوجوان خانواده از دنیای پرسرعت شبکه‌های اجتماعی. |صفحه ۱۰

خودمانی

قدر خانواده ایرانی را بدانیم

نیره ساری

بعضی چیزها آنقدر در زندگی ما حضور دارند که کمتر به اهمیت‌شان فکر می‌کنیم. مثل سقفی که بالای سرمان است، مثل هوایی که نفس می‌کشیم و مثل خانواده؛ همان جمع کوچکی که شاید هر روز در کنارشان باشیم، اما گاهی فراموش کنیم چقدر به بودن‌شان محتاج هستیم. معمولاً قدر خانواده را در روزهای عادی کمتر می‌دانیم. وقتی همه چیز سر جای خودش است، وقتی زندگی روال معمولش را طی می‌کند و نگرانی بزرگی وجود ندارد، کمتر به این فکر می‌کنیم که اگر این پناهگاه نبود چه می‌شد. اما کافی است حادثه‌ای رخ دهد، خبری نگران‌کننده منتشر شود، بحرانی از راه برسد یا حتی یک مشکل شخصی زندگی را به هم بریزد؛ آن وقت اولین جایی که ذهن و دل ما به سمتش می‌رود، خانواده است.

انسان در زندگی تکیه‌گاه‌های مختلفی دارد: دوستان، همکاران، همسایه‌ها و آشنایان و... همه این روابط ارزشمندند، اما هیچ‌کدام جای خانواده را نمی‌گیرند. خانواده تنها جایی است که آدم می‌تواند بدون نقش بازی کردن، بدون توضیح دادن و بدون نگرانی از قضاوت شدن، خودش باشد. جایی که حتی اگر همه دنیا در برابرش بایستند، هنوز امید دارد کسی دستش را بگیرد. شاید راز ماندگاری خانواده در جامعه ایرانی نیز همین باشد. در فرهنگ ما خانواده فقط یک نهاد اجتماعی نیست؛ خانه اول امنیت روانی انسان است. جایی که کودک در آن محبت را می‌شناسد، نوجوان در آن هویت پیدا می‌کند و بزرگسال در آن آرامش می‌گیرد. حتی سال‌ها بعد از آنکه هر کدام از اعضا زندگی مستقلی پیدا می‌کنند، باز هم رشته‌ای نامرئی آنها را به هم متصل نگه‌می‌دارد.

کافی است به روزهای دشوار زندگی خودمان فکر کنیم. روزهایی که بیمار بوده‌ایم، روزهایی که از یک شکست ناراحت بوده‌ایم، روزهایی که از آینده می‌ترسیده‌ایم یا زیر فشار مشکلات اقتصادی و اجتماعی قرار داشته‌ایم. در اغلب این لحظه‌ها نخستین کسانی که کنارمان ایستاده‌اند، اعضای خانواده بوده‌اند. گاهی یک جمله کوتاه مادر، یک نگاه مطمئن پدر، یک تماس خواهر یا برادر یا حضور بی‌ادعای همسر، بیشتر از صدها توصیه و راهکار آرامش‌بخش بوده است. جامعه ایرانی در دهه‌های گذشته روزهای سخت کم ندیده است. از همین جنگ اخیر که هنوز در حال سپری کردن آن هستیم گرفته تا حوادث طبیعی، مشکلات اقتصادی و انواع بحران‌های اجتماعی، اما چیزی که همواره به عبور جامعه از این پیچ‌های دشوار کمک کرده، فقط امکانات مادی نبوده است. پشت بسیاری از این تاب‌آوری‌ها، میلیون‌ها خانواده‌ای قرار داشته‌اند که اجازه نداده‌اند امید از خانه‌هایشان بیرون برود. آن چنان که سرزنده و شاداب بیش از ۹۰ شب است همچنان در کف میادین و خیابان حضور دارند.

در روزهای بحران، خانواده تبدیل به یک سنگر می‌شود؛ سنگری که در آن اعضا به یکدیگر قوت قلب می‌دهند. شاید به همین دلیل است که هرچه شرایط سخت‌تر می‌شود، نیاز انسان به خانواده بیشتر احساس می‌شود. در لحظات ناامنی، آدم‌ها بیشتر از همیشه به آغوش خانواده پناه می‌برند. انگار در اعماق وجود انسان این باور ریشه دارد که اگر خانواده کنار او باشد، عبور از سختی‌ها ممکن است.

در روزگار ما که سرعت زندگی افزایش یافته و روابط انسانی در بسیاری از موارد سطحی‌تر شده است، اهمیت خانواده بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. امروز بسیاری از مردم در جهان با احساس تنهایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با وجود گسترش شبکه‌های ارتباطی، تعداد زیادی از انسان‌ها از نبود یک رابطه عمیق و مطمئن رنج می‌برند. در چنین شرایطی، خانواده می‌تواند مهم‌ترین سپر در برابر تنهایی باشد.

خانواده فقط جایی برای زندگی کردن نیست؛ جایی برای دوباره جان گرفتن است. وقتی انسان از هیاهوی بیرون خسته می‌شود، وقتی از رقابت‌های بی‌پایان، نگرانی‌های اقتصادی، اخبار تلخ و فشارهای روزمره به ستوه می‌آید، نیاز دارد جایی باشد که بتواند لحظه‌ای آسوده شود. خانه و خانواده اگر بر پایه محبت و همدلی بنا شده باشند، چنین نقشی را ایفا می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های ارزشمند خانواده ایرانی، فرهنگ همراهی است. هنوز هم در بسیاری از خانه‌ها وقتی یکی از اعضا دچار مشکل می‌شود، دیگران خود را بی‌تفاوت نمی‌دانند. غم یک نفر، غم همه و شادی یک نفر، شادی جمع می‌شود. این روحیه شاید در ظاهر ساده به نظر برسد، اما در واقع یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های اجتماعی کشور است.

بسیاری از ارزش‌هایی که جامعه به آنها افتخار می‌کند، ابتدا در خانواده شکل می‌گیرند. مسئولیت‌پذیری، گذشت، احترام، فداکاری، همدلی و ایثار، مفاهیمی نیستند که صرفاً در کتاب‌ها آموخته شوند. انسان آنها را در خانواده تجربه می‌کند. کودکی که محبت می‌بیند، محبت کردن را یاد می‌گیرد. نوجوانی که احترام دریافت می‌کند، احترام گذاشتن را می‌آموزد. جوانی که حمایت می‌شود، حمایت کردن را می‌شناسد. شاید به همین دلیل باشد که خانواده را کوچک‌ترین واحد جامعه می‌نامند زیرا بسیاری از آنچه بعدها در مقیاس ملی و اجتماعی دیده می‌شود، نخست در خانواده شکل گرفته است. جامعه‌ای که خانواده‌های مستحکم داشته باشد، در برابر آسیب‌ها مقاوم‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که روابط خانوادگی در آن زنده باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری خواهد داشت. البته هیچ خانواده‌ای کامل نیست. در همه خانه‌ها اختلاف نظر، دلخوری و مشکل وجود دارد. خانواده ایرانی نیز از تغییرات اجتماعی، مشکلات اقتصادی و فشارهای فرهنگی مصون نبوده است. اما نقطه قوت خانواده در کامل بودن آن نیست؛ در توانایی بازسازی و کنار هم ماندن است. در اینکه اعضا با وجود تفاوت‌ها و دشواری‌ها همچنان برای حفظ پیوندهایشان تلاش می‌کنند. شاید امروز بیش از هر زمان دیگری لازم باشد به این سرمایه بزرگ توجه کنیم. در جهانی که بسیاری از پیوندها موقتی و شکننده شده‌اند، خانواده هنوز می‌تواند محل اعتماد و اطمینان باشد. هنوز می‌تواند جایی باشد که انسان در آن احساس تعلق کند. هنوز می‌تواند چراغی باشد که در تاریکی‌ها راه را نشان دهد.

خانواده برای جامعه ایرانی فقط یک واژه نیست؛ یک تجربه مشترک است. تجربه آغوشی که آرام می‌کند، دستی که یاری می‌رساند، صدایی که دلگرمی می‌دهد و حضوری که امید می‌آفریند. شاید به همین دلیل است که در سخت‌ترین روزها، وقتی همه چیز متزلزل به نظر می‌رسد، بسیاری از ما ناخودآگاه به سمت خانواده برمی‌گردیم. چون خانواده فقط محل زندگی نیست؛ آخرین پناهگاه است. جایی که انسان می‌تواند مطمئن باشد هنوز کسانی هستند که او را بی‌قید و شرط دوست دارند، نگرانش می‌شوند و در کنار او می‌مانند و تا وقتی این پناهگاه پابرجاست، امید نیز پابرجاست؛ نه فقط برای یک فرد، بلکه برای یک جامعه. قدر این خانواده را بدانیم.

جستار

خانواده ایرانی، میراث‌بان دیروز، سازنده فردا

ناصر سهرابی

۲۱ خرداد، روز خانواده و تکریم بازنشستگان، فرصتی برای بازخوانی یکی از مهم‌ترین ارکان پایداری اجتماعی ایران است؛ نهادی که فراتر از یک واحد زیستی به مثابه کانون هویت‌ساز، تولیدکننده سرمایه اجتماعی، حافظ ارزش‌های فرهنگی و پشتوانه امنیت روانی جامعه عمل می‌کند. در روزگاری که بسیاری از جوامع با بحران فروپاشی روابط خانوادگی، تنهایی اجتماعی و گسست نسلی روبه‌رو هستند، خانواده ایرانی همچنان مهم‌ترین پناهگاه روحی و اجتماعی مردم و یکی از منابع قدرت‌نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. خانواده در فرهنگ ایرانی صرفاً یک نهاد اجتماعی نیست؛ یک زیست‌جهان است. از دیرباز، ایرانیان خانواده را محل شکل‌گیری شخصیت، انتقال فرهنگ، آموزش مسئولیت‌پذیری و تمرین همبستگی می‌دانسته‌اند. به همین دلیل، برخلاف بسیاری از الگوهای فردگرایانه مدرن که استقلال فرد را بر پیوندهای جمعی ترجیح می‌دهند، در فرهنگ ایرانی هنوز مفهوم «ما» بر «من» غلبه دارد و این ویژگی، یکی از مهم‌ترین مزیت‌های خانواده ایرانی در جهان معاصر به شمار می‌رود.

امروزه بسیاری از جوامع غربی با پدیده‌هایی همچون کاهش ازدواج، افزایش زندگی‌های تک‌نفره، بحران سالمندی و گسترش احساس تنهایی مواجه هستند. ضعف پیوندهای خانوادگی به یکی از چالش‌های جدی جهان مدرن تبدیل شده است. در مقابل، خانواده ایرانی همچنان شبکه‌ای از حمایت عاطفی، اقتصادی و اجتماعی را برای اعضای خود فراهم می‌کند. این سرمایه نامرئی، در بسیاری از بحران‌ها و دشواری‌های اقتصادی، نقش یک ضربه‌گیر اجتماعی را ایفا کرده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های کارکرد خانواده ایرانی را می‌توان در تحقق اقتصاد مقاومتی مشاهده کرد. اقتصاد مقاومتی صرفاً مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی نیست، بلکه پیش از آن یک فرهنگ و سبک زندگی است. خانواده نخستین جایی است که الگوهای مصرف، پس‌انداز، قناعت، مسئولیت‌پذیری مالی و مدیریت منابع به نسل جدید آموزش داده می‌شود. هر اندازه خانواده‌ها بتوانند فرهنگ مصرف مسئولانه را تقویت کنند، جامعه نیز در برابر تکانه‌های اقتصادی مقاوم‌تر خواهد شد. در سال‌های اخیر، بخش مهمی از تاب‌آوری اقتصادی جامعه ایران بر دوش خانواده‌ها قرار داشته است. خانواده ایرانی در شرایط دشوار اقتصادی، با تکیه بر همدلی، حمایت متقابل و تقسیم مسئولیت‌ها توانسته از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. حضور فعال پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در چرخه زندگی خانواده، حمایت از فرزندان و نوه‌ها و انتقال تجربه به نسل‌های جوان، یکی از ظرفیت‌هایی است که کمتر در محاسبات اقتصادی دیده می‌شود، اما آثار آن در پایداری اجتماعی کاملاً مشهود است. خانواده ایرانی همچنین مهم‌ترین بستر انتقال ارزش‌های دینی، اخلاقی و ملی به نسل‌های جدید محسوب می‌شود. مدرسه، رسانه و فضای مجازی هر کدام نقش خود را دارند، اما هیچ نهادی به اندازه خانواده در شکل‌دهی به شخصیت افراد تأثیرگذار نیست. احترام به بزرگ‌ترها، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی، دینداری، وطن‌دوستی، مشارکت اجتماعی و روحیه همکاری، پیش از هر چیز در محیط خانواده آموخته می‌شود. از این منظر، خانواده ایرانی را می‌توان حافظ اصلی اصالت فرهنگی کشور دانست. در جهانی که فرایند جهانی‌شدن بسیاری از مرزهای فرهنگی را کمرنگ کرده است، خانواده همچنان مهم‌ترین سنگر حفظ سنت‌ها، آیین‌ها، زبان، آداب و حافظه تاریخی ملت ایران به شمار می‌رود. جشن‌های ملی، مناسبت‌های مذهبی، آیین‌های بومی و حتی سبک روابط اجتماعی، عمدتاً از طریق خانواده به نسل‌های بعد منتقل می‌شوند. در همین چارچوب، خانواده ایرانی یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری و تداوم فرهنگ و هنر نیز محسوب می‌شود. نخستین مواجهه هر فرد با میراث فرهنگی کشور، معمولاً در محیط خانواده رخ می‌دهد؛ از قصه‌های مادربزرگ‌ها و شعرخوانی‌های خانوادگی گرفته تا آشنایی با موسیقی، ادبیات، آیین‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی. خانواده در حقیقت نخستین مدرسه فرهنگ و هنر است و نقشی بی‌بدیل در انتقال ذائقه فرهنگی و زیبایی‌شناسی ایرانی به نسل‌های جدید ایفا می‌کند. بسیاری از عناصر هویت‌بخش تمدن ایرانی، نه در کلاس‌های درس، بلکه در فضای گرم خانه‌ها و در تعامل میان نسل‌ها حفظ و بازتولید شده‌اند. از سوی دیگر، خانواده‌ها مهم‌ترین مخاطبان و حامیان تولیدات فرهنگی و هنری کشور نیز به شمار می‌روند؛ از کتاب و سینما گرفته تا تئاتر، صنایع دستی و هنرهای سنتی. هر اندازه پیوندهای خانوادگی مستحکم‌تر باشد، امکان انتقال سرمایه فرهنگی و هنری کشور نیز بیشتر خواهد شد. در عصر سلطه رسانه‌های جهانی و تلاش برخی جریان‌ها برای یکسان‌سازی فرهنگی، خانواده ایرانی همچنان نقشی راهبردی در پاسداری از میراث فرهنگی، ادبی و هنری کشور بر عهده دارد و به عنوان حلقه اتصال گذشته، حال و آینده هویت ایرانی ـ اسلامی عمل می‌کند. یکی دیگر از ابعاد مهم خانواده ایرانی، نقش آن در تقویت همبستگی ملی است. هرگاه جامعه ایران با رویدادهای مهم سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی مواجه شده، خانواده‌ها در خط مقدم مشارکت عمومی قرار داشته‌اند. حضور گسترده خانواده‌ها در مراسم مذهبی، راهپیمایی‌ها، مناسبت‌های ملی، آیین‌های فرهنگی و حتی برنامه‌های اجتماعی و خیریه، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان نهاد خانواده و حیات اجتماعی کشور است. حضور پررنگ خانواده‌ها در اجتماعات و حضورهای شبانه اخیر نیز از همین منظر قابل تحلیل است. این حضورها صرفاً یک گردهمایی اجتماعی نبود، بلکه نمایش نوعی انسجام فرهنگی و هویتی محسوب می‌شد. زمانی که خانواده‌ها به صورت جمعی در صحنه‌های عمومی حاضر می‌شوند، در واقع پیام روشنی به جامعه و حتی ناظران بیرونی ارسال می‌کنند؛ اینکه پیوندهای اجتماعی همچنان زنده است، سرمایه اجتماعی کشور فعال است و مردم در کنار یکدیگر احساس تعلق و مسئولیت مشترک دارند. پیام اجتماعی این حضورها، تقویت اعتماد عمومی و افزایش احساس همبستگی است. در سطح سیاسی نیز چنین مشارکت‌هایی نشان می‌دهد؛ جامعه ایران برخلاف تصویری که گاه از سوی برخی رسانه‌های خارجی ارائه می‌شود، همچنان از ظرفیت بالایی برای بسیج اجتماعی و مشارکت جمعی برخوردار است. در واقع، هرچه خانواده‌ها فعال‌تر باشند، سرمایه اجتماعی کشور نیز تقویت خواهد شد. بر همین اساس، می‌توان خانواده ایرانی را بخشی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دانست. قدرت نرم صرفاً به رسانه، دیپلماسی یا تولیدات فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و ظرفیت‌های اجتماعی است که توانایی جذب، اقناع و ایجاد انسجام را در یک جامعه افزایش می‌دهد. خانواده ایرانی یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان این ظرفیت است. اعتماد، همدلی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق ملی، همگی از درون خانواده شکل می‌گیرند و به عرصه عمومی منتقل می‌شوند. در میان عناصر متعدد اصالت خانواده ایرانی، چند مؤلفه بیش از دیگران برجسته است؛ احترام به والدین و سالمندان، پیوندهای عاطفی عمیق میان اعضا، روحیه فداکاری و ایثار، اهمیت تربیت فرزند، دینداری، حفظ سنت‌های فرهنگی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جمعی. این ویژگی‌ها موجب شده خانواده ایرانی همچنان جایگاه خود را به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی کشور حفظ کند. بی‌تردید خانواده نیز مانند هر نهاد اجتماعی دیگری با چالش‌هایی مواجه است؛ از فشارهای اقتصادی و تغییر سبک زندگی گرفته تا گسترش فضای مجازی و کاهش زمان گفت‌وگوی خانوادگی. اما واقعیت آن است که تقویت خانواده همچنان کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین راهکار برای افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای سلامت روان جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی کشور محسوب می‌شود. روز خانواده و تکریم بازنشستگان، یادآور این حقیقت مهم است که آینده ایران از درون خانواده‌ها ساخته می‌شود. هر اندازه این نهاد مستحکم‌تر، باانگیزه‌تر و برخوردارتر باشد، جامعه نیز از انسجام، امید و پایداری بیشتری برخوردار خواهد شد. خانواده ایرانی نه تنها میراث‌دار گذشته، بلکه مهم‌ترین سرمایه راهبردی ایران برای عبور از چالش‌های آینده است.